

## ارزیابی روش‌های مختلف کمی‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای و محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات لبنی و گوشتی

سید مهریار صدرالاشرفی

عضو هیات علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

یعقوب زراعت کیش

عضو هیات علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

### چکیده

امروزه پیوند با اقتصاد جهانی و تعامل بیشتر با سایر کشورها از جمله سیاست‌هایی است که اغلب کشورها جهت تسریع روند رشد و توسعه اقتصادی خود به کار می‌گیرند. ایران نیز به منظور تطابق ساختار تجاری خود با موازین بین‌المللی و حرکت به سمت آزادسازی تجاری در سال‌های اخیر قدم‌هایی برداشته است. حذف موانع غیرتعرفه‌ای و معادل‌سازی آن‌ها با تعرفه در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم به وضوح تصریح شده است. در مطالعه حاضر گزینش روش مناسب کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای برای آن‌ها در حد آمار و اطلاعات موجود بر روی محصولات گوشتی و لبنی ایران طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۲ بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کاربردی‌ترین روش در مطالعات محصولی رویکرد شکاف قیمتی است که در این روش معادل تعرفه‌ای با محاسبه شکاف قیمتی بین کالاهای وارداتی و کالاهای مشابه داخلی محاسبه می‌شود. بررسی معادل‌های تعرفه‌ای در خصوص محصولات مورد مطالعه با این روش گویای این است که معادل تعرفه‌ای محصولات لبنی و گوشتی رو به افزایش گذاشته به گونه‌ای که هم اکنون برای کلیه اقلام گوشتی معادل تعرفه‌ای مثبت می‌باشد. در مورد اقلام لبنی نیز اگر چه علی‌رغم رشد زیاد قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های جهانی هنوز معادل تعرفه‌ای منفی است اما قدر مطلق آن در حال افزایش می‌باشد و در صورت ادامه روند فعلی امکان دچار شدن تولیدات لبنی به وضعیت مشابه تولیدات گوشتی وجود دارد.

واژگان کلیدی: موانع غیرتعرفه‌ای، معادل تعرفه‌ای، شکاف قیمتی، بخش کشاورزی، ارزیابی روش‌های مختلف کمی‌سازی.

## مقدمه

قبل از جنگ جهانی اول موانع غیرتعرفه‌ای در عرصه تجارت کشاورزی عمدتاً به محدودیت‌ها و موانع تجاری منحصر می‌شد. اما در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تعداد زیادی از روش‌های حمایتی شامل: سهمیه‌ها، مجوزها، ممنوعیت‌ها، یارانه‌های صادراتی، ترتیبات دوجانبه، تجارت دولتی و محدودیت‌ها و قوانین محدودکننده درباره مسایل بهداشتی و سلامتی در عرصه تجارت کشاورزی پدیدار گردید. در همین دوره تعرفه‌های کشاورزی نیز افزایش پیدا کرد. بعد از جنگ جهانی دوم حمایت‌های کشاورزی باز هم روندی رو به فزونی گرفت. در سال ۱۹۴۷ در مذاکرات گات کاهش تعرفه‌های کشاورزی مورد توجه قرار گرفت اما توجه اندکی به موانع غیرتعرفه‌ای معطوف گردید. محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای کشاورزی بعد از کاهش تعرفه‌ها در دور کندی در فاصله سال‌های ۶۷-۱۹۶۳ افزایش یافتند. در این دوره موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به موانع تعرفه‌ای اثرگذاری بیشتری بر جریان تجارت داشتند. اساساً قبل از مذاکرات دور اروگوئه مذاکرات آزادسازی تجاری، محصولات کشاورزی را شامل نمی‌شد. برخی از کشورها روش‌های ساده کنترل مرزی را در تجارت محصولات کشاورزی اعمال می‌کردند، در حالی که برخی دیگر مانند اتحادیه اروپا سیستم پیچیده مالیات متغیر<sup>۱</sup> را اعمال می‌کردند. در این سیستم با استفاده از عوارض مشابه پس از گمرک برای تمامی کالاهای وارده قیمت را ثابت نگه داشته و تعرفه کالا با کاهش قیمت محصولات افزایش می‌یابد، در نتیجه قیمت مصرف‌کننده ثابت می‌ماند. برخی از کشورها نیز به منظور تثبیت قیمت به هنگام افزایش قیمت داخلی، واردات را آزاد و به هنگام کاهش آن را ممنوع کردند. این اقدامات اگرچه قیمت‌ها را در کشورهای مصرف‌کننده تثبیت می‌کرد اما در سطح بین‌المللی به علت دامن زدن به نوسانات قیمت بین‌المللی نامناسب ارزیابی شده‌اند. عدم تطابق ساختار تجاری بخش کشاورزی با سایر بخشها، دورنمای نا امیدکننده تجارت محصولات کشاورزی و حاکمیت رژیم‌های متنوع و متفاوت بر تجارت محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف باعث گردید تا در دور اروگوئه مذاکره‌کنندگان برای حصول یک نتیجه مشترک در زمینه تجارت این محصولات تلاش زیادی نمایند. کشورها توافق نمودند تا تمامی موانع واردات به جزء موانع بهداشتی و تأمینی فقط به شکل تعرفه باشد و مقرر شد تمامی موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه تبدیل شوند که این عمل را تعرفه‌ای کردن نامیدند. هم‌اکنون نیز کاهش موانع غیرتعرفه‌ای مورد توجه جدی است و انتظار می‌رود اعضای سازمان جهانی تجارت به دنبال کاهش هر چه بیشتر موانع غیرتعرفه‌ای باشند. از این رو کاهش موانع غیرتعرفه‌ای و معادل‌سازی آن‌ها با موانع تعرفه‌ای از اهداف جدی آزادسازی تجاری محسوب می‌شود.

ایران نیز به منظور تطابق ساختار تجاری کشور با موازین بین‌المللی و حرکت به سمت آزادسازی تجاری قدم‌هایی در این زمینه برداشته است. حذف موانع غیرتعرفه‌ای و معادل‌سازی آن‌ها با تعرفه در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم به وضوح تصریح شده است. در این راستا در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار سعی شده است جریان تجاری به حمایت‌های تعرفه‌ای متکی گردد و موانع غیرتعرفه‌ای با معادل تعرفه‌ای جایگزین شده است.

کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای پیچیده و اثرات آن بر تجارت به سختی قابل اندازه‌گیری است. اقتصاددانان برای کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای از طریق روش‌های مختلفی نظیر، نرخ معادل تعرفه، اندازه‌های فراوانی، روش پیمایشی کوشش‌های زیادی داشته و دارند. گزینش روش مناسب کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای برای آن‌ها، حداقل از دو منظر اساسی درخور توجه جدی است. از بعد مطالعاتی اشتباه احتمالی در مقداری کردن این موانع باعث اربیبی نتایج مطالعاتی متکی به این اندازه‌ها (همچون بررسی اثرگذاری این موانع بر جریان تجارت و رفاه اجتماعی) می‌شود. از منظر سیاست‌گذاری و اجرایی اشتباه

محاسباتی در این زمینه منجر به تعیین معادل‌های تعرفه‌ای اشتباه و در نتیجه عدم حمایت مناسب از تولیدات داخلی یا حمایت‌های بیش از اندازه غیر لازم می‌شود. با توجه به بحث پویایی قیمت‌ها و در نتیجه معادل‌های تعرفه‌ای و عدم مطالعه معادل‌های تعرفه‌ای در مورد کل محصولات (به شرط در اختیار بودن اطلاعات قیمتی) و ضرورت مقایسه روش‌ها مختلف کمی‌سازی انجام مطالعه حاضر موضوعیت یافته است (۱۳). از این رو نیاز است تا روش‌های مختلف کمی‌سازی و تعیین نرخ‌های معادل تعرفه‌ای برای گزینش روش مناسب مقایسه و ارزیابی شوند. در مطالعه حاضر سعی شده است این مهم در حد آمار و اطلاعات موجود بر روی محصولات لبنی و گوشتی ایران بررسی شود.

## مواد و روش‌ها

### موانع غیر تعرفه‌ای و انواع آن

تعاریف مختلفی از موانع غیرتعرفه‌ای ارائه شده است، بالدوین (۱۹۷۰)<sup>۱</sup> موانع غیرتعرفه‌ای را به عنوان هر اقدام (معیار) دولتی یا خصوصی که سبب شود کالاها و خدمات یا منابع تولید آن‌ها به طریقی تخصیص یابند که باعث کاهش درآمد واقعی بالقوه جهانی شوند، تعریف کرده است. این تعریف اگر چه تعریف مناسبی است اما مشکلاتی در مفهوم درآمد واقعی بالقوه جهانی به کار رفته در آن وجود دارد (۱۳).

هیلمن (۱۹۹۱)<sup>۲</sup> موانع غیرتعرفه‌ای را هر سیاستی غیر از تعرفه‌ها که باعث انحراف تجاری شود تعریف کرده و آن‌ها را در سه گروه تقسیم بندی کرد: معیارها و اندازه‌هایی که هدف از اعمال آن‌ها محدودیت واردات و تحریک صادرات است و به طور قطع سبب انحراف تجاری می‌شوند.

موانعی که هدف اولیه و اصلی آن‌ها مواجهه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است اما گاهی برای محدود نمودن واردات و تحریف صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. معیارهایی که هدفشان انحراف و حمایت تجاری نیست اما به طور ناخواسته‌ای باعث انحراف تجاری می‌شوند.

بر اساس تعریف هیلمن هر دستورالعمل و اقدام دولتی و غیردولتی (به جز تعرفه‌ها) که باعث انحراف در جریان تجارت شود یک مانع غیرتعرفه‌ای قلمداد می‌شود (۱۳).

موچان و ارمینکو (۲۰۰۳)<sup>۳</sup> معتقدند که موانع غیرتعرفه‌ای، معیارهایی غیر از تعرفه هستند که ارتباط تنگاتنگ با سیاست‌ها و اقدامات دولت در عرصه تجارت دارند و بر سطح قیمت‌ها، ساختار و جریان تجارت و جریان بین‌المللی کالا و خدمات و منابع مورد استفاده در تولید آن‌ها موثر هستند (۲۰).

در تعریف اخیر بر نقش سیاست‌ها و اقدامات دولت تاکید شده است در حالی که برخی محققین مانند بالدوین معتقدند موانع غیرتعرفه‌ای ممکن است توسط بخش خصوصی ایجاد شوند. بخش خصوصی از این جهت مستثنی شده است که فعالیت‌های آن‌ها از طریق رقابت، نوع آوری فنی و ترجیحات مصرف‌کننده بر قیمت و مقدار جریان جهانی کالا اثر گذار است، حال آن که دولت‌ها عمدتاً با ایجاد محدودیت اقدامات خود را پیش می‌برند (۱۳).

در عرصه جهانی و در کشورهای مختلف ابزارهای غیرتعرفه‌ای مختلفی به کار گرفته می‌شوند که در این جا به برخی از طبقه‌بندی‌ها اشاره شده است. دیردوف و استرن (۱۹۹۷)<sup>۴</sup> و همچنین آنکتاد بر مبنای تقسیم‌بندی خود از موانع غیرتعرفه‌ای، انواع مختلف از موانع غیرتعرفه‌ای را که ممکن است مورد استفاده قرار گیرند طبقه‌بندی نمودند.

1- Baldwin, R. (1970)

2- Hillman, J. S. ,(1991)

3-Movchan, V. and Eremenko, I. (2003)

4-Deardorff, A. and R. Stern (1997).

اگر چه در فهرست آنکتاد، دیردوف و استرن معیارها شامل مالیات و عوارض گمرکی، معیارهای کنترل قیمت، معیارهای کنترل مالی، معیارهای کنترل کننده مقدار، معیارهای فنی و معیارهای انحصاری است برخی از معیارها مانند عوارض گمرکی را می‌بایست در زمره موانع شبه تعرفه‌ای قلمداد کرد (۱۲).

در داخل کشور مقدسی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به محاسبه معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای در بخش کشاورزی (محصولات باغی و زراعی) پرداخت. در این تحقیق نیز که از روش شکاف قیمتی استفاده شده است نتایج معادل‌های تعرفه‌ای محاسبه شده نشان می‌دهند که در اکثر محصولات روندی افزایشی بر معادل‌های تعرفه‌ای حاکم بوده است. بررسی قیمت محصولات نشان می‌دهد عدم برنامه‌ریزی صحیح در بعد تولید و کنترل نشدن هزینه‌های تولید و تورم حاکم بر کشور سهم عمده‌ای در این زمینه داشته است.

### انواع موانع غیرتعرفه‌ای

ابزارهای غیرتعرفه‌ای متنوعی در عرصه جهانی و در کشورهای مختلف به کار گرفته می‌شوند و طبقه‌بندی‌های مختلفی از سوی محققین و سازمان‌های جهانی از آن‌ها شده است. در تحقیق حاضر فهرست معیارهای غیرتعرفه‌ای از نگاه سازمان جهانی تجارت ارائه شده است (جدول ۱).

### بررسی روش‌های مختلف کمی سازی موانع غیرتعرفه‌ای

در بررسی موانع غیرتعرفه‌ای مساله اساسی روش کمی‌سازی آن‌هاست، به دلایلی مانند عدم شفافیت موانع غیرتعرفه‌ای، تنوع آن‌ها، اثرات متفاوت آن‌ها و در دسترس نبودن آمار و اطلاعات کمی سازی آن‌ها مشکل است.

تاکنون روش‌های مختلفی در کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است که این روش‌ها را می‌توان با توجه به هدف کمی‌سازی در دو دسته‌بندی جداگانه جای داد. چنانچه هدف از کمی‌سازی اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت باشد از یک دسته از روش‌ها استفاده می‌شود. چنانچه هدف کمی‌سازی اثرات موانع غیرتعرفه‌ای بر رفاه باشد دسته‌ای دیگر از روش‌ها را می‌توان به کار گرفت. از جمله روش‌هایی که در دسته‌بندی اول (اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت) قرار می‌گیرند می‌توان به روش‌های شکاف (اختلاف) قیمتی<sup>۱</sup>، روش پیمایشی<sup>۲</sup> و مدل‌های جاذبه‌ای<sup>۳</sup> اشاره کرد.

روش‌های آمار مقایسه‌ای<sup>۴</sup>، تحلیل هزینه و فایده<sup>۵</sup> و تجزیه و تحلیل تعادل عمومی<sup>۶</sup> از جمله روش‌هایی هستند که در دسته دوم (اندازه‌گیری اثر رفاهی موانع غیرتعرفه‌ای) کاربرد دارند.

به طور کلی روش‌هایی مانند شکاف (اختلاف) قیمتی، روش پیمایشی، روش اندازه‌های فراوانی، مدل‌های جاذبه‌ای، نرخ‌های حمایت اسمی و موثر کاربرد گسترده‌ای در کمی‌سازی و اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای دارند که در این جا بسته به هدف تحقیق که بیشتر دارای رویکرد تاثیر این معیارها بر حجم تجارت است برخی از این روش‌ها بررسی و مقایسه خواهند شد.

مسئله مهم دیگر در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای مشکلات موجود در اندازه‌گیری عملی موانع غیرتعرفه‌ای است. شکاف عمیقی بین تجزیه و تحلیل تئوریک موانع غیرتعرفه‌ای و اندازه‌گیری آن‌ها وجود دارد. در عمل ایجاد هزینه‌های اضافی و اختلاف قیمتی بین تولیدات داخلی و خارجی عناصر اساسی کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای هستند. اما اطلاعات در این زمینه اندک است. حتی زمانی که نتیجه و اثر موانع غیرتعرفه‌ای عیناً قابل مشاهده است مقدار و اندازه این اثر با کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای به دست نمی‌آید.

1- Price – Wedge Method

2- Surveys Method

3- Gravity Models

4- Comparative Statistics

5- Cost- Benefit

6- General Equilibrium

## جدول ۱- فهرست معیارهای غیرتعرفه‌ای GATT/WTO

### • دخالت‌های دولت در تجارت و اعمال محدودکننده مورد قبول دولت

حمایت‌های دولتی

مالیات‌های جبرانی

خریدهای دولتی

اعمال محدودکننده مجاز شناخته شده توسط دولت

تجارت دولتی، اعمال انحصاری دولت و غیره

### • سیاست‌های اجرایی و گمرکی

عوارض ضد دامپینگ

بازرسی

طبقه‌بندی‌های گمرکی

تشریفات کنسولی

نمونه‌ها

قوانین مبدا

تشریفات گمرکی

### • موانع فنی

عمومی

مقررات فنی و استانداردها

ترتیبات آزمایش کردن و صدور گواهی

### • محدودیت‌های خاص

محدودیت‌های مقداری و مجوزهای واردات

موانع و دیگر محدودیت‌ها با اثر مشابه

سهمیه‌های مدت دار و دیگر قوانین مختلط

کنترل‌های ارزی

نتایج تبعیض آمیز ترتیبات دوجانبه

تبعیض نسبت به مبدا

محدودیت‌های صادراتی

معیارهای تنظیم قیمت‌های داخلی

سهمیه‌های تعرفه‌ای

مالیات‌های صادراتی

ابزارهای مرتبط با بازاریابی مانند برچسب و بسته بندی

دیگر ابزارها

### • عوارض واردات

پیمان سپاری برای واردات

عوارض اضافی، مالیات‌های بندری، عوارض آماری و غیره

مالیات تبعیضی برعلیه فیلم و غیره

محدودیت‌های اعتباری تبعیضی

مالیات‌های مرزی تعدیلی

اعمال اضطراری

### روش اختلاف قیمتی

روش اختلاف (شکاف) قیمتی از جمله روش‌هایی است که اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت را اندازه‌گیری می‌کند. این روش بر این عقیده استوار است که موانع غیرتعرفه‌ای به وسیله اثرشان بر متغیرهای داخلی در مقایسه با متغیرهای مرجع (جهانی) قابل شناسایی و اندازه‌گیری هستند. استفاده اصلی این روش در محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای است. با وجود این که این روش از نگاه مفهومی از رویکرد اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت نشأت گرفته است، ولی می‌توان معادل‌های تعرفه‌ای را به عنوان متغیر در مدل‌های تعادل جزئی و عمومی که در اندازه‌گیری اثرات رفاهی موانع غیرتعرفه‌ای تمرکز دارند به کار گرفت (۱۲).

معادل تعرفه‌ای با محاسبه شکاف قیمتی بین کالاهای وارداتی و کالاهای مشابه داخلی محاسبه می‌شود. مقدار صحیح موانع غیرتعرفه‌ای از مقایسه قیمت‌هایی که در زمان نبود موانع غیرتعرفه‌ای پدیدار می‌شوند با قیمت‌های داخلی در زمان وجود موانع غیرتعرفه‌ای با لحاظ این نکته که قیمت پرداختی به عرضه‌کنندگان بدون تغییر باقی بماند به دست می‌آید. اما آشکار است که این قیمت‌ها غیرقابل مشاهده هستند و اندازه واقعی موانع غیرتعرفه‌ای با مقایسه قیمت‌های داخلی و جهانی در حضور موانع غیرتعرفه‌ای محاسبه می‌گردد. البته می‌توان با استفاده از مقادیر تجاری و کشش‌های عرضه و تقاضای کالاهای داخلی و وارداتی تعدیل‌هایی در قیمت‌ها در غیاب موانع غیرتعرفه‌ای ایجاد کرد (۱۲).

قیمت‌های داخلی کالای وارداتی بایستی با قیمت‌های فاکتوری (مانند قیمت سیف) کالای وارداتی که به وسیله واردکنندگان داخلی به صادرکنندگان خارجی پرداخت می‌شود (هزینه‌های حمل و نقل را در بر می‌گیرد اما تعرفه‌ها را شامل نمی‌شود) مقایسه شود. چنانچه این قیمت‌ها در دسترس نباشند می‌توان از اندازه‌های جانشین مانند قیمت واردات صادرکنندگان مختلف استفاده کرد. معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای به وسیله باقیمانده اختلاف قیمتی هنگامی که قیمت‌ها به وسیله تعرفه، هزینه‌های حمل و نقل و کیفیت‌های مختلف محصول تصحیح شوند، به دست می‌آید (۱۲). همچنین می‌توان با کسر نمودن تعرفه از معادل کل موانع، معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای را به دست آورد.

نرخ معادل تعرفه‌ای براساس رابطه (۱) قابل محاسبه است.

$$TE = \left[ \frac{(P_d - (P_w * ER))}{P_w * ER} \right] \times 100 \quad (1)$$

TE = معادل تعرفه‌ای است.

$P_d$  = قیمت داخلی کالا (قیمت عمده فروشی)

$P_w$  = قیمت جهانی کالا (قیمت سیف)

ER = نرخ ارز است

روش اختلاف قیمتی با محدودیت‌هایی روبرو است. این روش امکان مقداری کردن اثرات مجموعه‌ای از موانع غیرتعرفه‌ای را فراهم می‌کند اما قادر نیست تاثیر موانع غیرتعرفه‌ای مختلف را مجزا کند. رابطه بندی اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان درصد اختلاف قیمتی بین کالاهای وارداتی و داخلی تنها تحت این فرض که کالاهای وارداتی و داخلی قابلیت جانشینی کامل دارند معتبر است. مقایسه بین قیمت داخلی و جهانی کالا ممکن است در نتیجه تفاوت‌های موجود در کشش‌های عرضه و تقاضا کشورهای مختلف دچار محدودیت شود. امکان تاثیرپذیری این روش از میزان توانایی بنگاه‌های داخلی و بین‌المللی برای در اختیار داشتن رانتهای حاصل از موانع غیرتعرفه‌ای نیز وجود دارد و چنانچه بنگاه‌های صادرکننده بتوانند از تبعیض

قیمتی استفاده نمایند روش اختلاف قیمتی رانت‌ها را به جای موانع غیرتعرفه‌ای منعکس می‌کند. اصلی‌ترین محدودیت این روش در زمینه کاربردی برای مطالعات کلان که داده‌های در دسترس غالباً خیلی تجمیع شده هستند، می‌باشد. داده‌های جمع‌سازی شده قادر نیستند اختلاف کیفی کالاها و وارداتی را منعکس کنند. در مطالعات کلان (داده‌های تجمعی) روش اختلاف قیمتی قابل اعتماد به نظر نمی‌رسد. حتی هنگامی که قیمت‌ها در مرز کشور واردکننده مشتمل بر هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی در دسترس هستند، اختلاف قیمتی محاسبه شده هزینه‌های انتقال کالاها از مرز به بازارهای عمده فروشی را منعکس نمی‌کند. به مجموعه این مشکلات بایستی ضعف این روش در محاسبه نادرست در زمان وجود رقابت ناقص و عدم همگنی کالاها نیز اضافه شود.

### رویکرد مبتنی بر سیاهه‌برداری<sup>۱</sup> یا معیارهای فراوانی<sup>۲</sup>:

این روش امکان دسترسی به فراوانی و درصد واردات تحت پوشش قوانین محدودکننده تجاری را میسر می‌کند در این روش سه منبع اطلاعاتی قابل استفاده است. (۱۲)

• داده‌های مربوط به قوانین از قبیل تعداد قوانین محدودکننده که می‌تواند برای ایجاد شاخص‌های آماری مختلف به کار رود.

• داده‌های مربوط به فراوانی موانع

• داده‌های مربوط به تعداد شکایات در زمینه تبعیضات قانونی و گزارش‌های بین‌المللی شاخص‌های فراوانی موانع غیرتعرفه‌ای را می‌توان به صورت ساده مورد استفاده قرار داد یا این که توسط واردات یا تولید به آن‌ها وزن داده و به صورت وزنی استفاده کرد.

معیارهای فراوانی موانع غیرتعرفه‌ای شامل الف) تعداد محدودیت‌ها ب) آزمون فراوانی تعداد گروه‌های مشمول موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان درصدی از کل محصولات در طبقه‌بندی مورد نظر ج) آزمون واردات تحت پوشش: به عنوان ارزش واردات کالای مشمول موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان درصدی از واردات گروه کالایی مورد بررسی. آزمون فراوانی به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$F = \left[ \frac{\sum_{i=1}^T D_i N_i}{N_t} \right] \times 100 \quad (2)$$

$F$  = آماره آزمون فراوانی،  $N_i$  کالای مورد نظر از گروه کالاها مورد بررسی،  $D_i$  متغیرهای مجازی،  $N_t$  تعداد کل کالاها مورد بررسی است. متغیرهای مجازی به صورت  $D_i = \begin{cases} 1 \\ 0 \end{cases}$  تعریف می‌شود و  $D_i = 1$  است زمانی که کالای  $N_i$  حداقل دارای یک مانع غیرتعرفه‌ای باشد.

برای آزمون واردات تحت پوشش موانع غیرتعرفه‌ای می‌توان به جای تعداد کالاها از ارزش واردات تحت پوشش حداقل یک موانع غیرتعرفه‌ای استفاده کرد.

از جمله مشکلات این روش ناتوانی در تفکیک میزان اثرگذاری موانع بر بخش‌های مختلف است.

اما با همه این مشکلات این روش قادر است فراوانی انواع مختلف موانع غیرتعرفه‌ای و میزان تولید و تجارت تحت پوشش موانع غیرتعرفه‌ای را مشخص کند.

اهمیت اساسی این روش در واقع در ایجاد شاخص‌هایی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان متغیر در مدل‌های اقتصادسنجی سود جست استفاده از اندازه‌های فراوانی به عنوان متغیر جانشین در مدل‌های اقتصادسنجی یکی از راه‌هایی است که اطلاعات زیادی در اختیار قرار می‌دهد.

## روش جاذبه

زمانی که مقصود اندازه‌گیری و کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای است و از انواع تکنیک‌های مختلف برای تشریح محدودیت‌های تجاری که با تعرفه‌ها قابل توضیح نیستند بهره‌می‌گیریم یکی از روش‌ها بررسی باقیمانده مدل‌های رگرسیون است. مدل ثقلی، اریب اثرات مرزی تجارت را مورد بررسی قرار می‌دهد. مدل‌های جاذبه‌ای اولین بار در تجارت بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفتند. اما پیش از آن نیز در مطالعات علوم اجتماعی مورد استفاده بوده‌اند اگرچه در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی برای توضیح جریان‌های اجتماعی و مهاجرت به کار رفته‌اند.

مدل‌های جاذبه‌ای مبتنی بر تئوری نیوتن هستند. بر مبنای تئوری جاذبه نیوتن (Fij) نیروی جاذبه بین دو توده (کره) Fij به وسیله رابطه  $F_{ij} = \frac{G (M_i \times M_j)}{D_{ij}^2}$  اندازه‌گیری می‌شود. در این رابطه  $M_i$  و  $M_j$  دو کره هستند Dij مسافت (فاصله) بین دو کره و G ثابت جاذبه است. اقتصاددانان در دهه ۶۰ دریافتند که معادله  $F_{ij} = \frac{(M_i \cdot M_j)}{D_{ij}^2}$  قادر است جریان تجارت را به خوبی توضیح دهد. چنانچه Fij جریان تجارت از منبع i تا مقصد j باشد. آنگاه  $M_i$  و  $M_j$  اندازه‌های اقتصادی دو منطقه، Dij فاصله بین دو منطقه و a و b مقادیر ثابت هستند. این مدل در اقتصاد تا مدت‌های طولانی بدون پشتوانه تئوریک مورد استفاده قرار می‌گرفت تا این که اندرسون (۱۹۷۹) پایه تئوریکی مرتبط با خصوصیات اقتصاد رقابت انحصاری برای آن ایجاد کرد. با ایجاد پایه تئوریکی برای این مدل، روش جاذبه‌ای توسعه یافت.

بایستی دقت شود که در این گونه مدل‌ها کلیه متغیرهای موثر بر جریان تجارت در مدل لحاظ شود. رویکرد جاذبه‌ای سعی در اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت دارد از این رو ممکن است از اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر رفاه اجتماعی غفلت شود.

این مدل‌ها ممکن است نتوانند کل جریان تجارت را حتی در غیاب موانع غیرتعرفه‌ای و دیگر فاکتورهای موثر در اثرات مرزی توضیح دهند. همچنین این مدل‌ها در اندازه‌گیری تاثیر موانع بر روی تولیدات جزئی به فرضیات در نظر گرفته شده حساس هستند. از سویی چنانچه کلیه عوامل موثر بر جریان تجارت در مدل لحاظ نشود نتایج گمراه‌کننده خواهد بود.

## روش پیمایشی<sup>۱</sup>

همان‌گونه که قبلاً عنوان شد رویکرد سیاهه برادری قادر نیست میزان اثرگذاری موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت را متمایز کند. اما با بهره‌گیری از رویکرد پیمایشی به راحتی می‌توان درجه اهمیت موانع غیرتعرفه‌ای و اثرگذاری آن‌ها بر جریان تجارت را (با مورد سوال قرار دادن فعالان عرصه تجارت که موانع غیرتعرفه‌ای اثرگذاری مستقیمی بر فعالیت‌شان دارند) بررسی کرد.

روش پیمایشی قادر است اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از میزان اهمیت موانع غیرتعرفه‌ای به دست دهد که می‌توان از این اطلاعات در مطالعات اقتصاد سنجی سود جست و به یافته‌های مفیدی دست یافت (۱۲).

این روش به مطالعات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه متکی است و زمانی که دیگر منابع اطلاعاتی در دسترس نباشد مفید بوده و می‌تواند به تشخیص و تعیین محدودیت‌ها از نظر درجه سختی و محدودکنندگی کمک نماید.



### کشش تقاضای وارداتی

روش دیگری که در تعیین معادل تعرفه‌های به کار می‌رود، استفاده از کشش تقاضای وارداتی است که به صورت رابطه (۳) است.

$$TE = \frac{\Delta Qm}{Qm} \times \frac{(1+t)}{z} \quad (3)$$

در این رابطه TE نرخ معادل تعرفه‌ای،  $\Delta Qm$  تغییرات واردات ناشی از موانع غیر تعرفه‌ای  $Qm$  سطح واردات در زمان وجود موانع غیر تعرفه‌ای،  $t$  نرخ اسمی تعرفه و  $z$  کشش تقاضا برای واردات است. همان گونه که مشاهده می‌گردد در این روش برای محاسبه معادل تعرفه‌ای نیازمند برآورد مدل تقاضای وارداتی بوده و می‌بایست موانع غیر تعرفه‌ای به طریقی مانند روش معیارهای فراوانی کمی شده و در مدل لحاظ شود.

این روش در واقع رویکرد اقتصاد خرد در محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای است که با برآورد مدل و از طریق تغییرات در واردات در نتیجه موانع غیر تعرفه‌ای سعی در معادل‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای دارد. چنانچه بخواهیم مطالعه خود را در سطح خرد انجام دهیم این رویکرد چندان مناسب به نظر نمی‌رسد چرا که به تعداد محصولات تحت بررسی نیازمند برآورد مدل هستیم که این امر نیاز به آمار و اطلاعات بسیار زیادی دارد و عملی نمی‌باشد. اما برای مطالعات کلان و یا مطالعه یک یا چند محصول امکان استفاده از این روش عملی است. این روش در واقع به جای تمرکز بر اختلاف قیمتی ایجاد شده در نتیجه موانع غیر تعرفه‌ای که در روش اختلاف قیمتی استفاده می‌شود، تغییر در مقدار واردات در نتیجه موانع غیر تعرفه‌ای را بررسی می‌کند.

### روش بانک جهانی

روش دیگر که در معادل‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد روش بانک جهانی است. روش بانک جهانی به صورت زیر قابل محاسبه است.

$$Pm = Pw \times ER \{ 1 + TD + CP(.) \} \{ 1 + NTB \} \quad (4)$$

$Pm$ : قیمت کالای وارداتی در داخل کشور،  $Pw$  قیمت کالای وارداتی در مرز کشور وارد کننده،  $ER$  نرخ ارز،  $TD$  حقوق گمرکی،  $CP(.)$  سود بازرگانی قبل از حذف موانع غیر تعرفه‌ای و  $NTB$  موانع غیر تعرفه‌ای است. پس از رفع موانع غیر تعرفه‌ای معادل آن به سود بازرگانی اضافه می‌گردد و سود بازرگانی به  $CP(1)$  افزایش یافته و قابل تبدیل به فرمول (۵) است.

$$Pm = Pw \times ER \{ 1 + TD + CP(1) \} \quad (5)$$

با مساوی قرار دادن روابط (۴) و (۵) معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای زیر قابل محاسبه است.

$$NTB = \frac{1 + TD + CP(1)}{1 + TD + CP(0)} - 1 = \frac{CP(1) - CP(0)}{1 + TD + CP(0)} \quad (6)$$

روش بانک جهانی و فرضیات آن دارای ابهامات چندی به شرح زیر است:

در روش بانک جهانی فرض شده است که در یک سال خاص با حذف موانع غیر تعرفه‌ای درصدی به عنوان معادل تعرفه‌ای این موانع به سود بازرگانی افزوده می‌شود که از طریق رابطه (۶) قابل محاسبه است، اما چنانچه درصد معادل تعرفه‌ای برای اضافه کردن به سود بازرگانی مشخص است (درصدی که برای به دست آوردن  $CP(1)$  بایستی به  $CP(0)$  اضافه شود) ضرورت استفاده از رابطه فوق چیست؟ به عبارت دیگر طبق استدلال بانک جهانی  $CP(1) - CP(0)$  در رابطه فوق نماینده معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای است و از

پیش مشخص است. همچنین در این روش مشخص نشده است که چرا موانع غیر تعرفه‌ای به صورت یک جزء بر کل قیمت کالا بعد از اخذ سود بازرگانی و حقوق گمرکی اعمال شده است به عبارت دیگر چرا به جای رابطه (۷) که صحیح‌تر به نظر می‌رسد از رابطه (۶) استفاده شده است.

$$P_m = P_w \times ER \{ 1 + TD + CP(.) + NTB \} \quad (7)$$

چنانچه ملاک عمل رابطه (۷) قرار گیرد رابطه (۶) به رابطه (۸) تغییر می‌یابد.

$$\text{معادل تعرفه موانع غیر تعرفه‌ای} = CP(1) - CP(0) \quad (8)$$

در روش بانک جهانی حقوق گمرکی (TD) به واسطه این فرض که معادل تعرفه ای در یک زمان مشخص محاسبه خواهد شد ثابت در نظر گرفته شده است اما چنانچه بخواهیم از این رابطه با بهره گیری از اطلاعات تعرفه‌ای سال ۱۳۸۲ (سالی که موانع غیرتعرفه‌ای حذف گردیدند) و سال ۱۳۸۱ به محاسبه معادل تعرفه‌ای بپردازیم (همانند مطالعه موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی<sup>۱</sup>) در آن صورت دیگر فرض ثابت بودن TD معتبر نمی‌باشد و رابطه (۶) به رابطه (۹) تغییر می‌یابد.

$$\text{معادل تعرفه‌ای} = \frac{CP(1) + TD(1) - CP(0) - TD(0)}{1 + TD(0) + CP(0)} = \frac{T(1) - T(0)}{1 + TD(0) + CP(0)} \quad (9)$$

که در این رابطه  $T(1)$  و  $T(0)$  به ترتیب تعرفه در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۱ می‌باشد.

مجموع ایرادات فوق اعتبار علمی روش بانک جهانی را مخدوش کرده و در استفاده از آن بایستی جانب احتیاط رعایت شود.

در یک ارزیابی کلی در مورد روش‌های ارائه شده در این تحقیق می‌توان گفت که دسته‌ای از روش‌ها مانند معیارهای فراوانی و روش پیمایشی تنها شاخص‌هایی عددی برای ارزیابی موانع غیرتعرفه‌ای به دست می‌دهند و اطلاعاتی در مورد میزان تاثیر این موانع بر جریان تجارت به طور مستقیم به دست نمی‌دهند. گروهی دیگر از روش‌ها مانند مدل‌های جاذبه‌ای و تحلیل‌های اقتصاد خرد و تعادل عمومی به ارزیابی تاثیر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت و رفاه می‌پردازد و عموماً از نتایج روش اندازه‌های فراوانی به عنوان متغیر در این مدل‌ها استفاده می‌شود.

در این تحقیق با توجه به مطالب پیش گفته، روش بانک جهانی غیرمناسب ارزیابی شد چرا که در روش بانک جهانی حقوق گمرکی (TD) به واسطه این فرض که معادل تعرفه‌ای در یک زمان مشخص محاسبه خواهد شد ثابت در نظر گرفته شده است و این فرض ثابت بودن TD (با توجه به مطالب پیش گفته) نمی‌تواند معتبر باشد. استفاده از روش کشش تقاضای وارداتی برای مطالعات محصولی مستلزم صرف زمان و هزینه زیادی است. قبلاً نیز بیان شد که چنانچه بخواهیم مطالعه خود را در سطح خرد انجام دهیم این رویکرد چندان مناسب به نظر نمی‌رسد چرا که به تعداد محصولات تحت بررسی نیازمند برآورد مدل هستیم که این امر نیاز به آمار و اطلاعات بسیار زیادی دارد و عملی نمی‌باشد. بنابراین از رویکرد شکاف قیمتی برای محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات کشاورزی استفاده شده است.

برای انجام تحقیق حاضر از آمار و اطلاعات قیمت عمده فروشی و قیمت سیف وارداتی ایران و متوسط جهان برای محصولات مورد مطالعه برای سال‌های ۸۲-۱۳۷۶ استفاده شده است. آمار مورد نیاز از سال‌نامه‌های آمار بازرگانی خارجی (واردات)، فائو و وزارت جهاد کشاورزی به دست آمده است. برای اکثر محصولات قیمت‌های عمده فروشی به این طریق به دست آمده‌اند که ابتدا از سایت وزارت جهاد کشاورزی (سیمای استان‌ها) قیمت عمده فروشی محصولات استان‌های مختلف برای سال ۱۳۸۱ استخراج شده، آن‌گاه متوسط کشوری محاسبه شده و با استفاده از شاخص‌های بانک مرکزی، قیمت‌های عمده

۱- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۲)، چارچوب کلی برای منطقی کردن تعرفه‌های کشور، معاونت پژوهش‌های بازرگانی - اقتصادی

فروشی برای دیگر سال‌های مورد مطالعه استخراج شده است. برای تعداد معدودی از محصولات نیز قیمت عمده فروشی برابر قیمت‌های تضمینی در نظر گرفته شده است. قیمت‌های سیف وارداتی برای ایران و جهان عمدتاً از سایت فائو استخراج شده‌اند و تنها برای معدودی از محصولات از سایر منابع اطلاعاتی ذکر شده استفاده شده است. در ضمن برای برخی از محصولات که ایران وارداتی نداشته از قیمت سیف پاکستان و ترکیه به عنوان جایگزین استفاده شده است. لازم به ذکر است که به خاطر در اختیار نبودن آمارو اطلاعات، تحقیق در سطح کدهای ۴ رقمی (HS) صورت گرفته است و مسئله همسانی و کیفیت‌های مشابه دو کالا که در محاسبه معادل تعرفه‌ای بسیار مهم است، فدای ضعف در آمارو اطلاعات شده است. ضمن اینکه محاسبات نرخ تعرفه‌ای با نرخ ارز آزاد (بر گرفته از سایت بانک مرکزی) صورت گرفته است.

### نتایج و بحث

برای محاسبه معادل تعرفه‌ای تولیدات گوشتی و لبنی در ابتدا ۱۱ محصول مرغ زنده، گاو زنده، گوسفند زنده، گوشت مرغ، گوشت گوسفند، گوشت گاو، تخم مرغ، کره، پنیر، عسل و شیر در نظر گرفته شد که با توجه به عدم وجود قیمت‌های سیف قابل اطمینان برای مرغ زنده، گاو و گوسفند زنده این اقلام به ناچار از محاسبات حذف شده و محاسبات بر روی ۸ قلم باقیمانده صورت گرفت که در این جا تک تک آن‌ها بررسی و تحلیل می‌شود.

جدول ۲- معادل تعرفه‌ای تولیدات لبنی و گوشتی بر حسب متوسط سیف ایران

محصول	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
گوشت گوسفند	۳۶/۳۸	۵/۰۸	۹۲/۰۴	۹۴/۲۲	۱۲۵/۶۶	۱۱۹/۸۷	۱۴/۶۳
گوشت گاو	۴۴/۳۳	۲۸/۰۷	۱۱/۹۳	۵۸/۱۸	۶۱/۴۳	۱۴۴/۷۷	۱۸۶/۹۴
مرغ پرکنده	-۳۴/۴۵	-۳۱/۱۸	-۱۷/۲۴	۲۱/۰۰	.....	۵۵/۸۸	۶۰/۶۲
پنیر	-۶۵/۱۷	-۷۲/۶۹	-۷۴/۷۶	-۶۲/۲۲	-۵۸/۸۱	-۴۳/۷۸	-۳۲/۵۶
شیر	-۸۹/۱۳	-۹۱/۱۶	-۸۶/۳۵	-۶۹/۵۴	-۵۴/۵۴	-۶۹/۴۹	-۷۶/۶۱
تخم مرغ	-۲۶/۶۹	-۶۷/۶۰	-۷۰/۲۵	.....	-۶۲/۰۴	-۸۹/۸۱	-۶۷/۰۷
کره	-۷۸/۷۰	-۸۱/۶۶	-۸۲/۷۶	-۷۷/۹۵	-۷۷/۶۴	-۶۹/۶۳	-۶۹/۰۵
عسل	-۴۳/۰۸	-۴۲/۰۴	-۵۰/۸۹	-۲۶/۷۱	-۲۴/۷۸	-۲۵/۶۸	-۳۲/۴۶

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳- معادل تعرفه‌ای تولیدات لبنی و گوشتی بر حسب متوسط سیف جهان

محصول	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
گوشت گوسفند	-۳۰/۴۵	-۲۷/۱۴	-۲۲/۲۵	۲/۳۵	۱۰/۳۶	۲۳/۶۹	۱۵/۵۳
گوشت گاو	۱۱/۸۹	۰/۳۷	-۶/۹۴	۱۵/۳۵	۳۰/۳۰	۵۷/۴۰	۵۹/۲۸
مرغ پرکنده	-۳۶/۰۵	-۳۲/۵۲	-۱۷/۱۵	۹/۴۰	۱۰/۳۵	۳۲/۷۲	۱۷/۴۶
پنیر	-۵۱/۸۷	-۵۹/۲۷	-۶۴/۸۹	-۵۰/۲۳	-۴۶/۱۱	-۴۱/۱۳	-۴۴/۲۷
شیر	-۶۱/۹۷	-۶۴/۹۱	-۶۸/۹۶	-۵۲/۵۸	-۴۹/۶۴	-۴۸/۷۰	-۵۱/۴۷
تخم مرغ	-۴۷/۱۴	-۵۲/۷۶	-۵۱/۱۲	-۵۰/۹۰	-۴۰/۳۷	-۴۱/۲۸	-۴۵/۳۴
کره	-۸۳/۱۳	-۸۵/۳۴	-۸۷/۰۹	-۸۲/۰۳	-۸۰/۹۴	-۷۸/۱۶	-۸۰/۶۴
عسل	-۳۳/۴۴	-۲۴/۹۶	-۲۵/۶۶	-۳/۸۸	-۲/۶۳	-۱۶/۰۶	-۳۰/۱۹

ماخذ: یافته‌های تحقیق

رشد شدید قیمت داخلی گوشت گوسفند و رشد کندتر قیمت جهانی در مقایسه با آن باعث شده که معادل تعرفه‌ای گوشت گوسفند در سال‌های مورد مطالعه همواره مثبت بوده و در برخی از سال‌ها (سال ۸۰) به ۱۲۵/۶۶ درصد رسیده است.

قیمت‌های عمده فروشی، نرخ ارز و قیمت‌های وارداتی سه متغیر اثرگذار بر معادل تعرفه‌ای می‌باشند. برای مشاهده تغییرات معادل تعرفه‌ای و بررسی دقیق تر آن‌ها معادل‌های تعرفه‌ای با استفاده از متوسط سیف جهانی نیز محاسبه شده‌اند. در مورد گوشت گوسفند با توجه به روند با ثبات متوسط قیمت سیف جهان، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده بر این اساس نسبت به محاسبه آن بر اساس سیف ایران با ثبات‌تر شده و از روند افزایشی آرامی برخوردار است و از ۳۰/۴۵- در سال ۷۶ به ۱۵/۵۳ درصد در سال ۸۲ رسیده است.

رشد ۱۵۵/۵ درصدی قیمت داخلی گوشت گاو در سال ۸۲ نسبت به ۷۶، در مقایسه با رشد ۲۵/۵۲ قیمت جهانی این محصول باعث شده تا معادل تعرفه‌ای گوشت گاو در طی دوره همواره مثبت بوده و از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد به طوری که در سال‌های پایانی دوره به ۱۸۶/۹۴ درصد رسیده است. محاسبه معادل تعرفه‌ای با متوسط قیمت جهانی نیز نشان دهنده مثبت بودن معادل تعرفه‌ای برای گوشت گاو است و بر این اساس معادل تعرفه‌ای در سال ۸۲ برابر با ۵۹/۲۸ درصد است.

معادل تعرفه‌ای گوشت مرغ در سال‌های آغازین دوره منفی بوده ولی به تدریج با توجه به رشد بسیار سریع‌تر قیمت‌های داخلی نسبت به جهانی در سال ۸۲ به ۶۰/۶۲ درصد رسیده است. محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای با توجه به متوسط قیمت سیف جهانی نیز همین روند را معکوس می‌کند.

معادل تعرفه‌ای شیر با توجه به قیمت سیف جهانی در کل دوره منفی بوده و بین ۴۹- تا ۶۹- درصد نوسان داشته است.

در مورد محصول پنیر با توجه به رشد بسیار سریع قیمت داخلی این محصول نسبت به رشد کند قیمت‌های داخلی، هنوز قیمت داخلی این محصول پایین تر از قیمت‌های جهانی است و بر این اساس معادل تعرفه‌ای این محصول در طول دوره بررسی منفی بوده اما قدر مطلق آن رو به کاهش است و در صورتی که در تولید آن برنامه‌ریزی اصولی صورت نگیرد ممکن است همانند تولیدات گوشتی طی سال‌های آینده قیمت‌های این محصول نیز از قیمت‌های جهانی پیشی بگیرد. محاسبه معادل تعرفه‌ای این محصول با لحاظ متوسط قیمت سیف جهانی نیز وضعیتی مشابه را نشان می‌دهد.

معادل تعرفه‌ای کره با توجه به پایین بودن قیمت‌های داخلی آن نسبت به جهانی در طول دوره همواره منفی بوده اما با توجه به رشد سریع‌تر قیمت‌های داخلی، قدر مطلق آن کاهش یافته است. محاسبه معادل تعرفه‌ای با در نظر گرفتن متوسط قیمت سیف جهانی نیز وضعیتی مشابه را نشان می‌دهد.

با توجه به کم‌تر بودن قیمت داخلی تخم مرغ نسبت به قیمت جهانی آن و رشد سریع‌تر قیمت‌های جهانی، معادل تعرفه‌ای تخم مرغ منفی بوده و قدر مطلق آن نیز افزایش یافته است. معادل تعرفه‌ای بر مبنای متوسط قیمت سیف جهانی نیز وضعیت مشابه‌ای را نشان می‌دهد با این تفاوت که با توجه به کندتر بودن رشد متوسط سیف جهانی، قدر مطلق معادل تعرفه‌ای رشد چندانی نداشته است.

معادل تعرفه‌ای عسل طی دوره مورد مطالعه همواره منفی بوده و بین ۲۵- تا ۵۱- متغیر می‌باشد. معادل تعرفه‌ای محاسبه شده با متوسط قیمت سیف جهان نیز نشان دهنده منفی بودن معادل تعرفه‌ای برای این محصول است و از این رو وضع تعرفه بر این محصول در سال‌های مورد بررسی را نمی‌توان حمایت از این محصول تلقی کرد.

### جمع‌بندی

روش‌های کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای را با توجه به هدف کمی‌سازی می‌توان در دو گروه جای داد. چنانچه هدف از کمی‌سازی، اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت باشد از یک دسته از روش‌ها استفاده می‌شود. چنانچه هدف کمی‌سازی اثرات موانع غیرتعرفه‌ای بر رفاه باشد، دسته‌ای دیگر از روش‌ها را می‌توان به کار گرفت. از جمله روش‌هایی که در دسته‌بندی اول (اندازه‌گیری اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت) قرار می‌گیرند می‌توان به روش‌های شکاف (اختلاف) قیمتی، روش پیمایشی و مدل‌های جاذبه‌ای اشاره کرد. روش‌های آمار مقایسه‌ای، تحلیل هزینه و فایده و تجزیه و تحلیل تعادل عمومی از جمله روش‌هایی هستند که در دسته دوم (اندازه‌گیری اثر رفاهی موانع غیرتعرفه‌ای) کاربرد دارند.

برخی از روش‌ها مانند معیارهای فراوانی و روش پیمایشی تنها شاخص‌هایی عددی برای ارزیابی موانع غیرتعرفه‌ای ایجاد نموده و اطلاعاتی در مورد میزان تاثیر این موانع بر جریان تجارت به طور مستقیم به دست نمی‌دهند. روش‌هایی مانند مدل‌های جاذبه‌ای و تحلیل‌های اقتصاد خرد و تعادل عمومی به ارزیابی تاثیر موانع غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت و رفاه می‌پردازند و عموماً از نتایج روش اندازه‌های فراوانی به عنوان متغیر در این مدل‌ها استفاده می‌شود. نهایتاً دسته دیگری از روش‌ها مانند روش بانک جهانی، شکاف قیمتی و کشش تقاضای وارداتی قادرند اندازه‌های مفیدی که نشان دهنده معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای باشد، به دست دهند.

با توجه به غیرمناسب ارزیابی شدن روش بانک جهانی و بیش از اندازه زمان بر و هزینه بر بودن روش کشش تقاضای وارداتی برای مطالعات محصولی، رویکرد شکاف قیمتی علی‌رغم مشکلات آن برای محاسبه معادل تعرفه‌ای در مطالعات محصولی هنوز مناسب‌ترین روش به نظر می‌رسد. مهم‌ترین مشکل در محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای برای محصولات تهیه آمار و اطلاعات قابل اعتماد و در حد امکان جزئی است.

با توجه به عدم در اختیار بودن آمار و اطلاعات کاملاً قابل اعتماد، تغییر پذیری قیمت‌ها و اتکای روش شکاف قیمتی به قیمت‌های داخلی و جهانی و تفاوت‌های کیفی و عدم همسانی کامل محصولات مورد مطالعه، اتکای صرف به محاسبه معادل تعرفه‌ای برای اعمال حمایت‌های تعرفه‌ای به تنهایی مناسب و مثمر نمی‌باشد.

قیمت‌های داخلی اکثر تولیدات گوشتی و لبنی (به جز تخم مرغ و عسل) در طول دوره مطالعه به شدت رشد داشته و بسیار بیشتر از رشد قیمت جهانی این محصولات بوده است. رشد شدید قیمت‌های اقلام گوشتی باعث گردیده تا معادل تعرفه‌ای به سرعت افزایش یابد. این امر باعث شده تا معادل تعرفه‌ای این محصولات که بر اساس مطالعه معاونت برنامه‌ریزی وزارت جهاد سازندگی در سال‌های آغازین (گوشت گاو) و کل دوره (گوشت گوسفند و مرغ) منفی بوده است رو به افزایش گذاشته به گونه‌ای که هم اکنون برای کلیه اقلام گوشتی معادل تعرفه‌ای مثبت می‌باشد. در مورد اقلام لبنی نیز اگر چه علی‌رغم رشد زیاد قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های جهانی هنوز معادل تعرفه‌ای منفی است اما قدر مطلق آن در حال افزایش است و در صورت ادامه روند فعلی امکان دچار شدن تولیدات لبنی به وضعیتی مشابه تولیدات گوشتی وجود دارد.

وضعیت فوق نشان می‌دهد که اگر چه در سال‌های گذشته تولید گوشت با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت جهانی در ایران امکان پذیر بوده و اعمال تعرفه‌ها بر این محصول را نمی‌توان به عنوان حمایت از آن تلقی نمود، اما رشد مداوم و شدید قیمت این محصولات باعث شده است که هم اکنون این محصولات در مقابل

واردات نیاز به حمایت تعرفه‌ای داشته باشند.

نتایج معادل تعرفه‌ای در مطالعات مختلف از حیث علامت عمدتاً سازگارند اما از لحاظ عددی نتایج متفاوت می‌باشند. معادل‌های تعرفه‌ای به خاطر روند ناپایدار قیمت‌های کشاورزی دچار تغییرات نسبتاً زیادی هستند. مقایسه بین میزان و روند موانع تعرفه‌ای و معادل‌های تعرفه‌ای گویای عدم سازگاری و نبود رابطه معنادار بین آن‌ها است.

### پیشنهادات

استفاده از روش شکاف قیمتی به عنوان کاربردی‌ترین روش موجود برای محاسبه معادل تعرفه‌ای نیازمند آمار و اطلاعات دقیق و جزئی است. لذا پیشنهاد می‌گردد آمار و اطلاعات (تا حد امکان جزئی) قیمت عمده فروشی و خرده فروشی محصولات توسط اداره آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی جمع‌آوری گردد. مقادیر معادل تعرفه‌ای محصولات در مطالعات مختلف به دلایلی مانند تفاوت منابع آماری و عدم همسانی محصولات مورد مطالعه متفاوت می‌باشد. از این رو در وضع تعرفه بر محصولات نمی‌توان تنها شکاف قیمتی (معادل تعرفه‌ای) محصولات را ملاک عمل قرار داد و لازم است در کنار نتایج معادل تعرفه‌ای، به وضعیت بازارهای داخلی و جهانی محصولات توجه بیشتری مبذول شود.

پرهیز از استفاده از قیمت تضمینی به جای قیمت عمده فروشی در محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات در حد امکان به علت کنترل دولت بر قیمت‌های تضمینی

چنانچه هدف تولید داخلی محصولات گوشتی است، با روند فعلی حاکم بر تولید داخلی این محصولات، تحقق چنین امری مشکل به نظر می‌رسد. با توجه به روند افزایشی حاکم بر معادل تعرفه‌ای غالب محصولات و جهت گیری قوانین و مقررات جهانی به سمت کاهش تعرفه‌ها، پیشنهاد می‌گردد با تدوین برنامه‌ای بلند مدت به منظور کاهش هزینه تولید محصولات کشاورزی (مزیت‌دار) و افزایش قدرت رقابتی آن‌ها در جهت باقی ماندن در عرصه رقابت جهانی ضروری است. منطقی و مناسب‌تر نمودن سیاست‌های تجاری با در نظر گرفتن وضعیت قیمت‌های داخلی و جهانی در وضع تعرفه‌ها نظر به روند افزایشی حاکم بر معادل تعرفه‌ای محصولات، در پیش گرفتن سیاست‌های تجاری و ارزی هماهنگ و انتخاب ابزارهای مناسب تعرفه‌ای به منظور استحکام بخشیدن به دیوار تعرفه‌ای در شرایط تثبیت تعرفه‌ها ضروری است.

### منابع

- ۱- اداره کل مقررات صادرات و واردات، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن (۸۳ - ۱۳۷۶)، شرکت چاپ و نشر وزارت بازرگانی.
- ۲- پرمه، ز. و سیدی، م. ه. (۱۳۸۲) سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین‌المللی و کشاورزی ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۳: کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد، تهران موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
- ۳- حسینی، م. ع. و فاضل، م. (۱۳۸۲) سیاست تجارت کشاورزی ایران در فرآیند جهانی شدن، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۳: کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد، تهران موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
- ۴- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- ۵- کمپجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، وزارت جهاد کشاورزی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
- ۶- گمرک جمهوری اسلامی، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (واردات)، (۸۲-۱۳۷۶)، تهران، دفتر آمار و خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران.
- ۷- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۲)، چارچوب کلی برای منطقی کردن تعرفه‌های کشور، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهش‌های بازرگانی - اقتصادی، وزارت بازرگانی.
- ۸- مقدسی، رضا (۱۳۸۶)، بررسی روش‌های کمی‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای و محاسبه معادل تعرفه‌ای آن در بخش کشاورزی ایران، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۹- وزارت جهاد سازندگی، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس، بررسی تبعات عضویت ج. ا. ا. در سازمان جهانی تجارت (WTO): محاسبه میزان کل حمایت (AMS) و معادل تعرفه در زیر بخش دام و طیور (گوشت قرمز، شیرخام، گوشت مرغ، تخم مرغ و عسل)، ج. ۱۲، سال ۱۳۷۹

- 10- Anderson, J.E. (1979). "A Theoretical Foundation for the Gravity Equation." *American Economic Review*, 69, March 106-116.
- 11- Anderson, J.E., and van Wincoop E. (2001). "Gravity with Gravitas: A solution to the border puzzle.", Boston College and NBER.
- 12- Baldwin, R. (1970). *Non tariff distortions in international trade*. Brookings Institution, Washington.
- 13- Beghin, J. C. and Bureau, J. C. (2001). Measurement of Sanitary, Phytosanitary and Technical Barriers to Trade, A consultants report Prepared for the Food, Agriculture and Fisheries Directorate, OECD.
- 14- Bora, B. (2003). The Quantification And Impact of Non- Tariff Measures, Published in OECD Tool kit for Trade Policy Markets II, The Market Access in the Development Agenda, Paris: OECD.
- 15- Bora, B., Kuwahara, A. & Laird, S. (2002). Quantification on Non-Tariff Measures, UNCTAD Policy Issues in International Trade and Commodities Study Issue, No. 18, 2002.
- 16- Deardorff, A. and R. Stern (1997). "Measurement of Non-Tariff Barriers", OECD Economics, Department Working Paper No. 179, Paris, OECD.
- 17- Economic Research Service/USDA: Agriculture Outlook (1999). Agriculture & the Evolution of Tariff Bargaining, August, 1999.
- 18- Hillman, J. S. (1991). Technical Barriers to Agricultural Trade, West view Press, Boulder.
- 19- Jensen, J. & Tarr, D. (2002). Trade, Foreign Exchange and energy policies in the Islamic Republic of Iran, Reform Agenda, economic Implication and Impact on the Poor, World Bank.
- 20- Laird, Sam and René Vossenaar (1991). "Porqué nos preocupan las bareras no arancelarias?", *Informacion Comercial Española*, Special Issue on Non-tariff Barriers, November, pp.31-54.
- 21- Movchan, V. and Eremenko, I. (2003). Measurement of Non- Tariff Barriers: The Case of Ukraine, Prepared for the Fifth Annual Conference of the European Trade Study Group (ETSG), September 11-13, 2003, Madrid, Spain.